

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 185Date of filing: 2 Sep 1983

** AWARD - Type of Award FINAL
- Date of Award _____
_____ pages in English 13 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

DUPLICATE
ORIGINAL

«نسخه برای اصل»

پرونده شماره ۱۸۵

شعبه سه

حکم شماره ۱۸۵-۳-۲۰

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED - ثبت شد -	
۱۲۴۲ / ۶ / ۱۱	۱۸۵
2 SEP 1983	
۱۸۵	۱۸۵

چس .تی .مین اینترنشنال ، اینکورپوریتد ،

خواهان ،

- و -

شرکت مهندسین مشاور مها ب ، و

وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران ،

خواندنگان .

حکم

حاضران

از طرف خواهان : خانم کارول گودمن ، وکیل

آقای مارک سیگر ، وکیل مشتوك

آقای جان ج. سالیوان

نایب رئیس چس .تی .مین

اینترنشنال اینکورپوریتد

ازطرف خوانده : آقای محمدکریم اشراق

قائم مقام نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدخاور

مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای احمد بابائی

وکیل شرکت مهندسین مشاور مهاب

آقای علی امینی

آقای محمدنیلی ، شرکت مهندسین مشاور مهاب

آقای صفر بهزادی زاد

وزارت نیرو

ساپر حاضران : آقای آرتور دبلیو. رواین نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

اول - جریان دعوا

خواهان، چس. تی. مین اینترنشنال، اینکورپوریتد ("مین") در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۱ (۱۳۶۰ ذرماه) ادعای خود را علیه خواندگان، شرکت مهندسین مشاور مهاب ("مهاب") و وزارت نیروی جمهوری اسلامی ایران ("وزارت نیرو") به ثبت رسانید.

در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ ذریبهشت ماه) مهاب که اکنون موسوم به شرکت خدمات مهندسی برق (یا مشانیر) است، و وزارت نیرو لواح دفاعیه خود را به ثبت رساندند. وزارت خانه مجبور در لایحه دفاعیه خود دادعای متقابلی نیز اقامه کرد.

جلسه استماع مقدماتی در تاریخ اول دسامبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ ذرماه) تشکیل شد. طبق دستور دیوان، طرفین موظف بودند که ادله و مدارک ولواح خود را قبل

از جلسه استماع در موعدهای مقرر به ثبت رسانند. جلسه استماع در تاریخ ۱۷ ماه
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ (۲۲) تشکیل شد.

دوم - اظهارات طرفین

مین اظهار می‌دارد که وی شرکتی است دایرکه طبق قوانین ایالت ماساچوست
که یکی از ایالات آمریکاست تشکیل شده و شرکتی است فرعی که تما ما " متعلق به
یک شرکت دیگرا ایالت ماساچوست است و اکثر سهام شرکت اخیر، متعلق به اتباع
ایالات متحده می‌باشد.

مین یک شرکت مهندسی حرفه‌ای است که در سطح بین‌المللی خدمات مدیریت
در زمینه ساختمان و مهندسی پروژه‌های تولیدوانتقال برق ارائه می‌کند.

ادعا مبتنی است بر یک قرارداد خدمات عمومی ("قرارداد") که در تاریخ ۱۴
فوریه ۱۹۷۶ (۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۴) بین مهاب و یک شرکت ایرانی بنام پارس مین
("پارس مین") که ۴۹ درصد سهام آن متعلق به مین بود، منعقد گردیده است.

طبق مفاد قرارداد، پارس مین می‌باشد "خدمات مهندسی، کمک و همکاری‌های
فنی در زمینه‌های تولیدوانتقال و توزیع نیرو در کلیه مراحل کارونیز خدمات
مدیریت، بازرسی و پژوهش مربوط به پروژه‌های وزارت نیرو و سازمانهای فرعی آن
را ارائه نماید". (ماده ۲). در قرارداد توضیح بیشتری در مورد خدمات داده نشده و
نرخی با بت خدمات تعیین نشده است. طبق قرارداد مذبور پارس مین باید بنا به
درخواست مهاب، "پیشنهادهای دریاب پروژه‌های همکاری تسلیم مهاب نماید.
در پیشنهادها باید شرایط لازم مشخص شود" (ماده ۳-۱)، قرارداد همچنین مقرر
می‌دارد که "پارس مین مجاز نخواهد بود که (از تاریخ قرارداد) "با هیچ شرکت
دیگری به جزئیاتی در زمینه‌های متروک در این قرارداد، مشارکت نماید.
قرارداد همچنین حاکی است که حق الزحمه خدمات" به نرخ موردن توافق طرفین "

پرداخت خواهد گردید.

مین اظهار می دارد که وی خدمات مربوطه را طبق درخواست مستقیم مهاب انجام داده و در ازاء این خدمات مبلغ ۵۰،۴۵۰،۴۵۰ دلار به اضافه بهره مطالبه می نماید. طبق استدلال مین ، گرچه قرارداد بین مهاب و پارس مین منعقد شده ، ولی یک رابطه مستقیم قراردادی فیما بین مین و مهاب وجود نداشته است . بنابراین اظهار مین ، این رابطه یا از قصدا ولیه طرفین ناشی شده و یا اینکه درنتیجه تغییری که بعدا "درقرارداد داده شده ، پدید آمده که به موجب آن ، مین درموردا نجا خدمات مهندسی ، جانشین پارس مین گردید . و قرارشده حقوق مهندسی" به مین پرداخت شود . مین چنین استدلال می کند که طبق نظریه دیگری مین را می توان به عنوان ذیتغم ثالث قرارداد محسوب کرد و یا را با بت خدماتی که مستقیما " برای مهاب و بد درخواست مستقیم آن ، انجام داده مستحق دریافت و جهشناخت :

درموردنی از ادعای که به مبلغ ۳۷۸،۳۴۰ دلار می باشد و برای آن ، صورتحساب تهیه و ارسال شده ، استدلال مین این است که ، وجود طبق درخواست پارس مین و باتائید مهاب برای وی حواله شده بود . در این رابطه مین اظهار می دارد که مهاب در اکتبر ۱۹۷۲ به بانک مرکزی ایران دستور داد معادل ۲۶،۷۱۰،۸۲۹ ریال یعنی ۳۷۸،۳۴۰ دلار آمریکا بحساب بانکی مین در بوستون انتقال دهد . این مبلغ برابر تمام مبالغ صورتحساب های شماره ۳ ، ۴ و ۵ بعلاوه مبلغی که مهاب قبل از صورتحساب های شماره ۱ و ۲ کسر نموده منها مالیات دولت ایران و کارمزدهای دیگر بود . مهاب به بانک مرکزی اطلاع داده کلیه مجوزهای لازم برای پرداخت تحصیل شده و تقاضا کرد انتقال صورت گیرد .

خوانندگان در مقام دفاع استدلال می کنند که چون ادعای مبتنى برقراردادی با پارس مین می باشد که یک شرکت ایرانی است دیوان داوری صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد بعلاوه اظهار میدارند که مهاب از لحاظ قرارداد فقط در مقابل پارس مین تعهد داده است که صرفا " یعنی پیمانکاری داشت دوم است ، نمی توانند ادعایی چه از لحاظ قرارداد و چه از نظر دیگر علیه هیچیه ، از خوانندگان داشته باشد .

وزارت نیرو ادعای متقابلی به مبلغ ۵۰۰۰ دلار آمریکا با بت خسارات ناشی از دفاع در برابر ادعای بی اساس" مطرح کرده است .

کلیه طرفهای دعوی طالب هزینه های داوری خود می سانند .

سوم - صلاحیت

مین ادعای حاضر را از جا نب خودا قا مه مینما یدولدا دیوان موجبی برای مشخص کردن این مطلب نمی بیندکه آیا طبق ادعای خواندگان مین می توانسته از طرف پا رس می مین ادعائی مطرح نماید یا خیر.

مین مدارکی ارائه داده مبنی براینکه درکلیه اوقات مربوطه شرکتی بوده که طبق قوانین ایالات متحده تشکیل شده بوده است، و شیزمدارکی تسلیم نموده حاکی از این که یک شرکت فرعی و کاملاً متعلق به سی.تی.مین کورپوریشن می باشد و شرکت اخیر الذکر طبق قوانین ایالت ماساچوست تشکیل شده است. مضافاً "خواهان سوگندنا مه هائی به امضاء کارمندان سی.تی.مین کورپوریشن ارائه داده مبنی براینکه نامبردگان اتابع آمریکا بوده و بیش از ۵۰ درصد سهام سرمایه شرکت متعلق به آنها میباشد. دیوان داوری در پرتو مدارک مذکور معتقد است که ادعا بمفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاهای ادعای یک تبعه آمریکا میباشد.

جای هیچگونه بحث باقی نیست که مهاب یک واحد تحت کنترل دولت ایران میباشد و بدینترتیب مسلم "خواندگان مشمول تعریف "ایران" موضوع بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاهای میباشد.

بالنتیجه، دیوان داوری معتقد است بمحض بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل ادعاهای صلاحیت رسیدگی به ادعای حاضر را دارد.

چهارم - ما هیت دعوا

بررسی مدارک نشان می دهد که طرز عمل طرف ها با اظهار خواندگان دایر براینکه مین بعنوان پیمانکار دست دوم برای پا رس مین عمل می کرده و نیز اینکه کلیه طرف های مربوط سراسر این موضوع تفاهیم داشته اند، مطابقت دارد. معرفی کارمندان برای کار

در پروژه های مهابا غلب در چارچوب قرارداد به عمل می آمده . در یک تلکس این متن دیده می شود : " پارس مین با خوشوقتی کارمندان می ... را معرفی می نماید " در نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۸ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷) مین به پارس مین ، مین به قرارداد کلی اشاره می کندو " به پارس مین اختیار میدهد متخصصین مین را بعنوان مامور به مهابا عزام دارد " و " در صورت لزوم جهت تسهیل کارمتخصصین نا مبرده اقدام نماید " . پیوست نامه مذکور حق الزحمه ای را که مین با یاد ریافت کنند تعیین و قید مینماید " پارس مین (یا در موقع مقتضی شخص ثالث)، با یاد مبالغ مقرر با بت خدمات کارمندان مین را مستقیما " به چس . تی . مین اینترنشنال اینکورپوریتد پرداخت نماید " تلکس مورخ ۱۴ اوت ۱۹۷۸ (۱۳ مرداد ۱۳۵۷) پارس مین به مهابا اعلام میدارد : " پارس مین خوشوقت است (نام یک کارمند دیگر مین) را معرفی نماید " در نامه دیگری بتاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۸ (۱۹ مرداد ۱۳۵۷) مین خطاب به مهابا به " متخصصین ما که در ارتباط با قراردادها پارس مین به مهابا کمک می کنند " ، اشاره می کند .

در گزارش های پیشرفت کارنیزا شاراتی مشابه موارد فوق دیده می شود . عنوان گزارش مورخ ۳۱ زانویه ۱۹۷۹ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷) مین به مهابا یینست : گزارش پیشرفت کار پارس مین " موضوع نامه ای که مهابا در پاسخ نامه مزبور نوشته و در ۲۷ آوریل ۱۹۷۹ (۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) بدست مین رسیده به مین نحو مشخص شده : " پیشرفت کار پارس مین " . همین عنوان در گزارش بعدی مورخ ۲۴ مهر ۱۹۷۹ (خرداد ۱۳۵۸) مین دیده می شود .

رفتار طرفین در مورد پرداخت های نیز در چهار چوب قرارداد است . همانطور که در بالا ذکر شد در نامه مورخ ۱۷ مه ۱۹۷۸ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷) پیش بینی شده که طبق روال عادی پرداخت بت خدمات مین با یاد مستقیما " توسط پارس مین صورت گیرد . فی الواقع کلیه صورتحساب های مین به پارس مین تسلیم می شد که بنوبه خود یک صورتحساب کلی با در نظر گرفتن حق الزحمه خود برای مهابا ارسال می داشت .

این امرکه مها ب مستقیما " یکباره مین پرداخت نموده و برای مرتبه دومی نیز مبا درت به این کا رکرده دلیل براین نیست که رابطه قراردادی مستقیمی بین مین و مها ب وجودداشته استه هرا " این اقدامات بدستور پارس مین صورت گرفته است .

علیهذا معلوم است که کلیه کارهای مین در رابطه با تعهدات پارس مین ب موجب قرارداد آن جا شده و نقش مین نقش یک پیمانکار دست دوم بوده است که ماده ۴ قرارداد بوضوح این امکان را پیش بینی کرده بود . اینکه مین به کمک کارمندان مها ب و بدرخواست مها ب کار را مستقیما " آن جا مداده مغاير با ترتیبات مربوط به آرچاع کار به چند پیمانکار دست دوم نیست . بنابراین دیوان داوری با یادداعای خواهان را مبنی براینکه در مورد کار آن جا شده با مها ب رابطه مستقیم قراردادی داشته است مردود شناسد .

این اظهارکه به جای این قرارداد ، قرارداد مستقیمی با مین وجودداشته با سایر مدارک ، متناقض است . صورت جلسات مورخ ۲۸ ذوئیه ۱۹۷۸ (۶ مرداد ۱۳۵۷) و ۲۳ ژوئن ۱۹۷۸ (۲ تیر ۱۳۵۷) و ۹ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۸ شهریور ۱۳۵۷) نشان میدهد که مها ب از کار پارس مین رضا یت داشته " و پارس مین در مورد کار مین را راهنمائی می کرده و پارس مین از نظر ترتیب تهیه لوازم فنی برای کاری که مین باشد آن جا دهد با مها ب اشتراک مسا عی داشته است . این مدارک نشان می دهد که نفع می داشته باشد . مین با آنچه در قرارداد پیش بینی شده بود حتی بعد از تاریخی که خواهان ادعا می کند جایگزینی صورت گرفته مطابقت داشته است .

به مین نحو مدارک کافی که نشان دهد مین ب موجب قراردادیک ذینفع ثالث بوده وجود ندارد . قرارداد منحصر "هم وظیفه انجام کار را که می باید متعاقبا " مورد موافقت طرفین قرار گیرده پارس مین محول کرده و هم حق دریافت وجه را به آن داده است . شروط پرداخت حق الزحمه در قرارداد به تفصیل نحوه ارائه صورت حساب جهت کارهای آن جا شده را شرح داده و مشخص می کند که پرداخت باید به پارس مین مورث گیرد . بعلاوه وقتی که با لآخره نرخهای حق الزحمه تعیین شد پیش بینی

گردید که این نرخها به قراردادالحق بشود، پارس میں درپیشنهادنرخهای خود تصریح کرده بودکه حق دریافت منحصر به پارس میں وبرحسب آن نرخهای هدبدود است. اینکه مهاب مبادرت به پرداخت مستقیم به میں کرده ملک عمل نیست زیرا این اقدامات درپاسخ صورتحساب‌های پارس میں و دستورات صریح درمورد پرداخت صورت گرفته بوده است.

اشباتشده است که شرایط پرونده حاضرچنان بوده است که عدول از این اصل مسلم را که معمولاً "پیمانکار دست دوم حق مستقیمی علیه طرف پیمانکارندارد، توجیه کند. میں توافق کرده طرف متعاهد پارس میں باشدکه میں درآن سهیم بوده و میدانست ویا می باشد بدانکه با یادآن شرکت انتظار دریافت وجهدا شده باشد بنابراین مهاب متعهد نیست که چیزی به میں بپردازد مگر در حدود مشخص و محدودی که ذیلاً تشریح شده است.

خواهان اظهار میداردکه بنابرآنحوه عمل، حق پارس میں جهت دریافت وجه به میں واگذار شده و مهاب به بدھی خود به میں اعتراض کرده است. خواهان در تاء بیس این موضع مقرر اوتوقوانی ایران و تصمیمات دادگاههای آمریکا را نقل میکند. خواهان در جلسه استماع اذعان نمودکه این نظریه ها فقط موبدادعای مربوط به مبالغی است که پارس میں دستور داده استقیماً" به میں پرداخت شود، با ضافه بهره متعلقه.

شواهدتثان میدهدکه مهاب در اکتبر ۱۹۷۹ به بانک مرکزی دستورداد که معادل ریالی ۳۷۸،۴۵۰ دلار آمریکا با بت مبالغ درخواستی در صورتحسابهای شماره ۳۴۳ و ۵ بعلاوه مبلغ کسر شده از پرداختهای قبلی منهای مالیات‌های دولت ایران و کارمزدهای دیگر را به حساب بانکی میں در بوستون انتقال دهد. بانک مرکزی حتی پس از آنکه مهاب در ۱۵ آبان ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به بانک اطلاع دادکه کسب مجوز درخواستی از وزارت نیرو ضرورت نداشت و حتی بعد از تقاضاهای مکرر انتقال بوسیله مهاب، وجه را انتقال نداد.

اين واقعيات مويدا ين امر است که پا رس مين حقوق خود در مورد وجنه موضوع صورتحساب ارسالي توسط مين را به مين واگذا رکرده و مها بنيز با اين واگذا رى موافق نموده است . بنابراین مين حق مستقيم وصول مبلغ ۳۷۸،۳۴۰ دلار آمريكا از مهاب را دارد .

ديوان داوری معتقد است که خواهان حق دارد از ع نوا مبر ۱۹۷۹ (۱۵ آبانماه ۱۳۵۸) بهره اصل مطالبات خود را دريافت نماید . بهره مزبور با يد به نرخ عادله ۱۵٪ در سال تا تاريخ صدور دستور پرداخت مبلغ حکم از طرف کارگزا را مانی به بانک ا مين محاسبه گردد .

ديوان داوری دلائل کافی در دست ندارد که طبق قرارداد ، خوانده وزارت نیرو را مسئول شناسد . ازا ين رو با يدادعای مطروح عليه وزارت نیرو مردود شناخته شود . مع الوصف ، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال پرونده ، به ادعای متقابل وزارت نیرو با بت "خسارات ناشی از دفاع ازيك ادعای بي اساس" نبايد ترتيب اشراوه شود .

ديوان داوری با عنایت به شرایط و اوضاع و احوال اين پرونده و با بكاربستن مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد ديوان داوری ، براين عقیده است که باید مبلغ ۱۵،۰۰۰ دلار آمريكا با بت هزينه هاي داوری به خواهان پرداخت گردد و هر يك از خواندهگان با يده زينه هاي داوری مربوط به خود را تقبل نماید .

پنجم - حکم

ديوان داوری حکم خود را به شرح زير ماد در می کند :

ادعا ، تا جائي که عليه خوانده ، وزارت نیروي جمهوري اسلامي ايران اتفا مه گردیده ، مردود شناخته می شود .

ادعا متقابل خوانده ، وزارت نیروي جمهوري اسلامي ايران مردود است .

خوانده ، شركت مهندسين مشا ور مهاب متعهد است و باید مبالغ زير را به خواهان ،

چس . تی . مین اینترنشنال اینکورپوریتد پرداخت نماید .

۱ - مبلغ سیصد و هشتاد و سیصد و چهل دلار آمریکا (۳۷۸,۳۴۰ دلار) به
اضافه بیهدهای بهترخ ده درصد (۱۰%) از تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۵ آبانماه
۱۳۵۸) الی تاریخ صدور دستور پرداخت از طرف کارگزار امانی به بانک
امین جهت پرداخت از حساب تضمینی ،

۲ - مبلغ پانزده هزار دلار آمریکا (۱۵,۰۰۰ دلار) بابت هزینه های داوری .

این پرداخت از محل حساب تضمینی که بموجب بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ آبانماه
۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر افتتاح
شده ، صورت خواهد گرفت .

بدینوسیله حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی به رئیس دیوان
تسلیم می گردد .

لاهه ، به تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۲)



نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بنام خدا

م . جهانگیر شناسی



ریچارد ام . مارک

نظر موافق

توضیحی درباره امضاء نشدن احکام توسط قاضی ثانی

شورهای مربوط به پرونده حاضرها حضورا عخای آن منگارد، حیانگیرثائی و ماسک، پس از استماع مورخ ۱۷ مهر ۱۹۸۳ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲) و پیش از تعطیلات تابستانی دیوان که در تاریخ ۱۱ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۱ خدادادماه ۱۳۶۲) آغاز گردید، برگزار شد. طی جلسه‌های شعبه که پیش از آغاز تعطیلات تابستانی دیوان تشکیل گردید، تصمیم گرفته شد که شعبه در اول اوت ۱۹۸۳ کار خود را از سرگیرد. برآسان این تصمیم رئیس شعبه بادداشت مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۳ خدادادماه ۱۳۶۲) خود را صادر کرده‌اند از داوران شعبه درخواست نمود روزهای ۸، ۱۰ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۱۹، ۱۷ و ۲۱ مردادماه ۱۳۶۲) را به شورهای شعبه اختصاص دهند، سموح دستور شماره ۱۵۵ مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۸۳ (۲۵ خدادادماه ۱۳۶۲) ریاست دیوان، به شعبه دواج زاه داده شد که تا تاریخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۳ (۹ مردادماه ۱۳۶۲) در مواردی جلسون درخواست صدور قرارهای موقت یا سایر موضوعات فوری، بحال شعبه مهادام کند. علاوه بر این، طبق برنامه مدرسی رسیدگی‌پایی دیوان که در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۶ خدادادماه ۱۳۶۲) انتشار یافت، تشکیل جلسه دیوان عمومی در روزهای ۱۲ - ۱۵ اوت ۱۹۸۳ (۲۶ - ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲)، جلسات استماع شعبه سه‌در روزهای ۱۹، ۲۵ و ۳۰ اوت (سترتیپ ۲۸، ۲۷ مردادماه و ۳ و ۸ شهریور) و یک جلسه استماع مقدماتی در روز اول سیما مبر ۱۹۸۳ (۱۵ شهریور ۱۳۶۲) در نظر گرفته شده بود.

در تاریخ ۶ اوت ۱۹۸۳ (۱۵ مردادماه ۱۳۶۲) رئیس شعبه برنامه برگزاری جلسات شعبه را مادرکرد. طبق این برنامه قرار شد هایی کردن احکام پرونده‌های شماره ۳۴۶، ۱۸۵، ۱۲۴، ۸۴ در ۱۱ و ۱۲ اوت ۱۹۸۳ (۲۵ و ۲۱ مرداد ۱۳۶۲) و شورهای مربوط به پرونده‌های شماره ۱۲۷، ۷۶، ۶۲، ۳۵ در ۱۳ اوت ۱۹۸۳

(۲۲ مردادماه ۱۳۶۲) صورت گرد.

نماینده رابط حمهوری اسلامی ایران در نامه مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (۱۹ مردادماه ۱۳۶۲) خود به دیوان اظهار داشت:

"که قاضی مصطفی جهانگیرشانی، داور ایرانی شعبه دیوان
داوری، استعفای خود را به دولت حمهوری اسلامی ایران تسلیم
کرده و دولت مجبور این استعفار را بذیرفته است. استعفای
مورد بحث از تاریخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ قطعیت یافته و حاشیین ایشان
بعوق خود به دیوان معرفی خواهد شد".

در این نامه از دلائل این استعفا ذکری نمیان نیامده است.

رئیس دیوان دستور داد بعضی از حلقات استماع دیوان عمومی که قرار گرفت
در روزهای ۱۵ تا ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (به ترتیب ۲۴ تا ۲۶ مردادماه ۱۳۶۲) تشکیل
شود، سعدمکول گردد. علاوه بر این رئیس شعبه برگزاری حلقات خاص
نهائی کردن احکام و شورهای مقرر در هفته ۸ آوت ۱۹۸۳ (۱۲ مردادماه ۱۳۶۲)
را ملی کرد.

قاضی جهانگیرشانی در حله مورخ ۱۵ آوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲) دیوان
عمومی حضور نداشت. در حله مورخ ۱۷ آوت ۱۹۸۳ (۲۶ مرداد ۱۳۶۲) دیوان عمومی،
رئیس دیوان اظهار داشت که تا کنون دلایل معتبری برای غبت قاضی ثانی سه
دیوان واصل نشده و دیوان احازه حنین غیبتی را به ایشان نداده است.
رئیس دیوان همچنین اعلام داشت که بر عهده شعه سه دیوان عمومی است که
پیامدهای قانونی این غیبت را در ارتباط با هر یک از پرونده های مطروح نزد
شعه سه دیوان معین کنند. پس از آن رئیس شعبه سه دستور داد حلقات استماعی
که قرار گرفت در روزهای ۱۸، ۱۹ و ۲۵ آوت (سه ترتیب ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۶۲ شهریور)
وحله استماع مقدماتی که قرار گرفت در اول سیا مهر ۱۵۱ شهریور تشکیل گردد،
سه سعدمکول شود.

رئیس شعبه سه طی نامه مورخ ۱۸ آوت ۱۹۸۳ (۲۷ مرداد ۱۳۶۲) که از طریق
پست و تلکس ارسال شد، قاضی ثانی را از نکات اعلام شده توسط رئیس دیوان
مطلع ساخت و نزد اطلاع ایشان رسانید که بر نامه حدیدی تنظیم شده که سموح

آن از جمله نهائی کردن و امضا حکم این پرونده در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳
شهریورما (۱۳۶۲) انجام خواهد شد.

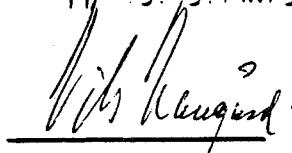
قاضی جهانگیرشانی در تلکس مورخ ۲۴ اوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ شهریور) خطاب
رئیس شعبه سه وصول نامه مورخ ۱۸ اوت ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ مرداد) را تاء بید کرد
و به رئیس شعبه سه اطلاع داد که از نظر ایشان اعلام استعفای ایشان به حمبوی
اسلامی ایران قانوناً نسبت به دیوان داوری نیز مجری است و ایشان از این پس قانوناً "محاذ
ومختار به شرکت در اخذ تصمیم یا صدور حکم نستند. جز" در مورد نظر حقوقی با حکمی
که قبل از ابلاغ یا اعلام شده باشد و ایشان در تبید و تمهید بیش نویس، ساتنضم
و تنتیح آن درگیر بوده است".

ند در این تلکس و نه در تلکس واصله در روز بعد که در رئیس دیوان خطاب
شده بود، قاضی جهانگیرشانی این نکته را مطرح ساختند که شرکت در حالت
سپتامبر (۱۱ شهریور) از لحاظ حسابی برای ایشان ممکن نست.

قاضی ثانی در حلقه امضا حکم این پرونده که در تاریخ ۲ سپتامبر
(۱۱ شهریور) در شعبه سه برگزار شده بحضور سافت.

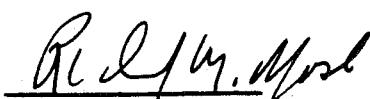
تحت شرایط واوضاع و احوال فوق الذکر، دیوان برآن شد که بیر اسما
سند ۴ ماده ۲ قواعد دیوان، کار امضا حکم را در غایب قاضی جهانگیرشانی سی
د بیان برد.

لاهه، تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۸۳ (بر این پایه ۱۱ شهریور ۱۳۶۲).



بلی منگار د

رئیس شعبه سه



رساردا م. ماسک